خبر

آمادگی اردوغان برای میانجی‌گری میان ایران و آمریکا

رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه، بار دیگر از آمادگی کشورش برای میانجی‌گری میان ایران و آمریکا خبر داده است؛ پیشنهادی که در شرایط حساس روابط تهران و واشنگتن، می‌تواند نشانه تلاش آنکارا برای تقویت جایگاه دیپلماتیک خود در معادلات منطقه‌ای باشد. اردوغان اعلام کرده که موضوع میانجی‌گری را مستقیماً با دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، در میان گذاشته و بر ضرورت استفاده از ظرفیت دیپلماسی برای کاهش تنش‌ها تأکید کرده است. بااین‌حال، تحقق چنین ابتکاری بیش از اعلام آمادگی ترکیه، به اراده سیاسی طرف‌های اصلی و وجود زمینه‌ای مشترک برای آغاز گفت‌وگو بستگی دارد.

به گزارش خبرگزاری نووستی، اردوغان روز دوشنبه در مسیر بازگشت از جمهوری آذربایجان به خبرنگاران گفت که در گفت‌وگو با ترامپ، نگرانی‌های ترکیه درباره روابط ایران و آمریکا را مطرح کرده است.

رئیس‌جمهور ترکیه تأکید کرد که آنکارا آمادگی دارد با ایفای نقش میانجی، مسیر صلح و دیپلماسی را هموار کند. او پیش‌تر نیز در جریان دیدار با الهام علی‌اف، رئیس‌جمهور جمهوری آذربایجان، از تماس تلفنی خود با ترامپ خبر داده و بر حمایت ترکیه از تلاش‌های دیپلماتیک برای کاهش تنش میان تهران و واشنگتن تأکید کرده بود.

تکرار این موضع در فاصله کوتاه نشان می‌دهد که موضوع میانجی‌گری صرفاً اظهارنظری گذرا نیست و آنکارا مایل است آمادگی خود را به‌عنوان یکی از گزینه‌های احتمالی تسهیل گفت‌وگو مطرح نگه دارد.

ترکیه به‌عنوان همسایه ایران و یکی از اعضای ناتو، در موقعیتی قرار دارد که تحولات روابط تهران و واشنگتن می‌تواند بر منافع اقتصادی و امنیتی آن تأثیر بگذارد. هرگونه افزایش تنش در منطقه، علاوه بر پیامدهای سیاسی، ممکن است بر تجارت، حمل‌ونقل، بازار انرژی و امنیت مرزهای پیرامونی ترکیه اثرگذار باشد.

از این منظر، تلاش آنکارا برای کاهش اختلافات را می‌توان در چارچوب حفظ ثبات منطقه‌ای و جلوگیری از گسترش بحران ارزیابی کرد. ترکیه همچنین در سال‌های گذشته کوشیده است با حفظ کانال‌های ارتباطی با بازیگران مختلف، ظرفیت دیپلماتیک خود را در پرونده‌های منطقه‌ای تقویت کند.

البته برخورداری از روابط سیاسی با دو طرف، به‌تنهایی برای موفقیت میانجی‌گری کافی نیست. میانجی زمانی می‌تواند نقش مؤثری ایفا کند که از اعتماد نسبی طرفین برخوردار باشد و بتواند زمینه انتقال پیام‌ها و بررسی پیشنهادهای عملی را فراهم آورد.

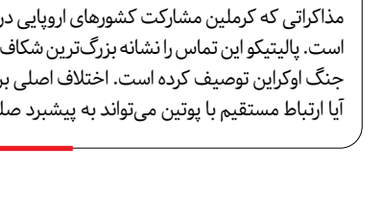
پیشنهاد اردوغان در حالی مطرح می‌شود که اختلافات ایران و آمریکا ماهیتی چندلایه دارد و صرفاً با برگزاری یک نشست یا انتقال پیام برطرف نخواهد شد. موضوعات امنیتی، تحریم‌ها و اختلاف دیدگاه درباره چارچوب مذاکرات، از جمله مسائلی هستند که می‌توانند بر هر ابتکار دیپلماتیک تأثیر بگذارند.

در چنین شرایطی، نقش احتمالی ترکیه بیش از آنکه جایگزین مذاکرات مستقیم یا غیرمستقیم طرفین باشد، می‌تواند تسهیل ارتباطات و کمک به شکل‌گیری فضای گفت‌وگو باشد. بااین‌حال، تاکنون در خبر منتشرشده جزئیاتی درباره پاسخ رسمی تهران به پیشنهاد اخیر یا توافق طرفین بر سر سازوکاری مشخص ارائه نشده است.

آنچه ابتکار اردوغان را به نتیجه نزدیک می‌کند، وجود دستور کار مشخص و پذیرش نقش میانجی از سوی ایران و آمریکاست. تجربه مذاکرات منطقه‌ای نشان می‌دهد که اعلام آمادگی کشورهای ثالث، بدون همراهی طرف‌های اصلی، الزاماً به آغاز روندی پایدار منجر نمی‌شود.

برای آنکارا، موفقیت احتمالی این تلاش می‌تواند به تقویت جایگاه دیپلماتیک ترکیه کمک کند؛ اما در مقابل، تداوم اختلافات نیز محدودیت‌های میانجی‌گری را آشکار خواهد کرد.

در نهایت، پیشنهاد تازه اردوغان بیش از آنکه نشانه آغاز مذاکراتی قطعی باشد، بیانگر تمایل ترکیه برای حضور فعال‌تر در مدیریت تنش‌های منطقه‌ای است. اکنون باید دید تهران و واشنگتن تا چه اندازه برای بهره‌گیری از این ظرفیت آمادگی دارند و آیا پیشنهاد آنکارا می‌تواند از مرحله اعلام موضع به ابتکاری عملی تبدیل شود.



«ابتکار» از پیامدهای تشدید تنش میان عربستان و انصارالله گزارش می‌دهد

حمله به قلب اقتصادی سعودی‌ها

گروه بین‌الملل - حمله انصارالله یمن به منطقه مالی ملک عبدالله در ریاض، بار دیگر آسیب‌پذیری زیرساخت‌های اقتصادی عربستان در برابر حملات موشکی و پهپادی را آشکار کرد؛ اقدامی که می‌تواند هزینه‌های حفاظت از سرمایه‌گذاری و اجرای برنامه چشم‌انداز ۲۰۳۰ این کشور را افزایش دهد.



منطقه مالی ملک عبدالله صرفاً مجموعه‌ای از ساختمان‌های تجاری نیست؛ این منطقه یکی از مهم‌ترین پروژه‌های توسعه اقتصادی عربستان و بخشی از تلاش این کشور برای تبدیل ریاض به مرکز مالی منطقه‌ای و بین‌المللی محسوب می‌شود

حمله موشکی و پهپادی انصارالله یمن به اهدافی در عربستان، از جمله منطقه مالی ملک عبدالله در ریاض، بار دیگر نشان داد که رویارویی نظامی دو طرف وارد مرحله‌ای شده است که در آن زیرساخت‌های اقتصادی، مراکز مالی و نمادهای توسعه عربستان در کنار اهداف نظامی قرار گرفته‌اند. این حمله در شرایطی صورت گرفت که درگیری‌های یمن و عربستان پس از دوره‌ای از کاهش تنش، بار دیگر شدت گرفته و حملات متقابل به خاک دو کشور افزایش یافته است.

آنچه این عملیات را از حملات پیشین متمایز می‌کند، صرفاً محل وقوع آن نیست بلکه انتخاب هدفی است که با برنامه اقتصادی و تصویر بین‌المللی عربستان ارتباط مستقیم دارد. منطقه مالی ملک عبدالله، یکی از مهم‌ترین نمادهای تحول اقتصادی این کشور، اکنون به صحنه‌ای از تقابل نظامی تبدیل شده است؛ تقابلی که پیامدهای آن می‌تواند فراتر از خسارت مستقیم به یک ساختمان، بر امنیت سرمایه‌گذاری، اعتماد اقتصادی و محاسبات سیاسی ریاض تأثیر بگذارد. بر اساس اخبار منتشر شده، انصارالله یمن مجموعه‌ای از حملات را علیه اهدافی در عربستان انجام داد که منطقه مالی ملک عبدالله، فرودگاه ریاض و تأسیسات ذخیره نفت آرامکو را در بر می‌گرفت.

مهم‌ترین حادثه در پایتخت عربستان، آسیب دیدن ساختمانی اداری متعلق به شرکت آرامکو در منطقه مالی ملک عبدالله بود. وزارت انرژی عربستان اعلام کرد که این ساختمان هدف حمله قرار گرفته و سقوط ترکش‌ها موجب خسارت محدود شده است. این وزارتخانه تأکید کرد که در این حادثه تلفات جانی گزارش نشده است. با این حال، گزارش‌های رسانه‌ای و تصاویر منتشرشده از محل حادثه، از آسیب به بخش‌هایی از ساختمان و شکسته شدن شیشه‌های چند طبقه حکایت دارد. در این میان، باید بین اعلامیه انصارالله درباره هدف قرار دادن مستقیم ساختمان و روایت رسمی عربستان تفاوت قائل شد زیرا مقام‌های سعودی اعلام کردند خسارت ناشی از سقوط ترکش بوده و گزارش‌ها درباره اصابت مستقیم موشک به ساختمان به‌طور مستقل تأیید نشده است.

خبرگزاری رویترز در گزارش خود از حمله به ساختمان آرامکو در ریاض نوشت که حمله انصارالله موجب آسیب به چند طبقه ساختمان شده و پدافند هوایی عربستان موشک‌های شلیک‌شده به سمت ریاض و منطقه شرقی را رهگیری کرده است.

همچنین، «ترکی المالکی» سخنگوی ائتلاف تحت رهبری عربستان اعلام کرد که پدافند هوایی این کشور دو موشک بالستیک شلیک‌شده به سمت ریاض را رهگیری کرده است. گزارش‌های رسمی همچنین از رهگیری موشک‌ها و پهپادهایی در مناطق دیگر عربستان حکایت دارند. در مقابل، «یحیی سریع» سخنگوی نظامی انصارالله، مسئولیت عملیات را پذیرفت و اعلام کرد نیروهای این گروه چند عملیات نظامی با استفاده از موشک‌های بالستیک، موشک‌های کروز و پهپاد انجام داده‌اند. وی اهداف این عملیات را شامل منطقه مالی ریاض، فرودگاه این شهر، مخازن نفت آرامکو و تأسیسات «ابقیق» عنوان کرد. این مواضع نشان می‌دهد که حمله روز یکشنبه بخشی از یک عملیات گسترده‌تر بوده و صرفاً به ساختمان آرامکو محدود نبوده است.

برای فهم اهمیت این حمله، باید آن را در چارچوب تحولات چند ماه اخیر یمن و عربستان بررسی کرد. درگیری میان انصارالله و ائتلاف تحت رهبری عربستان از سال ۲۰۱۵ آغاز شد؛ زمانی که ریاض با هدف حمایت از دولت یمن وارد جنگ شد. پس از سال‌ها نبرد، آتش‌بس سال ۲۰۲۲ به کاهش نسبی درگیری‌ها انجامید، اما اختلافات سیاسی و نظامی دو طرف حل‌وفصل نشد.

به گزارش ایرنا، در این دوره، حملات به خاک عربستان کاهش یافت، اما تهدید انصارالله علیه زیرساخت‌های انرژی، فرودگاه‌ها و مراکز نظامی این کشور همچنان باقی ماند. با فروپاشی آتش‌بس در تابستان ۲۰۲۶، تقابل دوباره شدت گرفت و دو طرف وارد مرحله‌ای از حملات متقابل شدند.

بر اساس گزارش الجزیره درباره آسیب ساختمان آرامکو در ریاض، انصارالله در ماه‌های اخیر حملات خود را به فرودگاه‌ها، پالایشگاه‌ها و تأسیسات انرژی عربستان افزایش داده است. این گزارش همچنین از حمله پیشین به فرودگاه ریاض خبر می‌دهد.

در مقابل، عربستان نیز حملات هوایی به مناطق تحت کنترل انصارالله را از سر گرفته است. گزارش‌های منتشرشده از سوی منابع یمنی، از حملات به «مناطق مسکونی و تلفات غیرنظامیان» حکایت دارد. عملیات اخیر انصارالله در چارچوب چرخه‌ای از حملات، پاسخ‌های نظامی و تلاش‌های دو طرف برای افزایش هزینه‌های طرف مقابل انجام شده است.

منطقه مالی ملک عبدالله صرفاً مجموعه‌ای از ساختمان‌های تجاری نیست؛ این منطقه یکی از مهم‌ترین پروژه‌های توسعه اقتصادی عربستان و بخشی از تلاش این کشور برای تبدیل ریاض به مرکز مالی منطقه‌ای و بین‌المللی محسوب می‌شود. در این منطقه، دفاتر شرکت‌های بزرگ، مؤسسات مالی، بانک‌ها و مجموعه‌ای از کسب‌وکارهای بین‌المللی فعالیت دارند. همچنین صندوق سرمایه‌گذاری عمومی عربستان و بورس این کشور در محدوده مالی ریاض قرار دارند. با این حال، انتخاب چنین هدفی الزاماً به معنای تغییر فوری سیاست عربستان نیست اما از نظر اقتصادی، نخستین پیامد حمله اخیر، آسیب به یک ساختمان اداری آرامکو و افزایش هزینه‌های امنیتی است. در حال حاضر، مقام‌های سعودی خسارت وارده را محدود اعلام کرده‌اند و از تلفات جانی خبر نداده‌اند. بنابراین، نمی‌توان بر اساس اطلاعات موجود از خسارت اقتصادی گسترده یا توقف فعالیت‌های آرامکو سخن گفت. حمله روز یکشنبه به ساختمان اداری آرامکو به‌خودی‌خود به معنای اختلال در تولید یا صادرات نفت نیست.

یکی از مهم‌ترین ابعاد این حمله، تلاش انصارالله برای تغییر محاسبات امنیتی عربستان است. آنها با حمله به اهدافی در ریاض می‌خواهند نشان دهند که برتری نظامی و اقتصادی عربستان به‌تنهایی نمی‌تواند امنیت کامل این کشور را تضمین کند. در این چارچوب، حملات به مراکز مالی و انرژی می‌تواند بخشی از راهبرد فشار باشد؛ راهبردی که هدف آن افزایش هزینه ادامه جنگ برای ریاض و ایجاد تردید درباره امکان دستیابی به پیروزی نظامی است. در گزارش المانیتور درباره حمله انصارالله به منطقه مالی ریاض، به نقل از «آندریاس کریگ» تحلیلگر مسائل منطقه آمده است که حمله به این منطقه می‌تواند اعتبار چشم‌انداز ۲۰۳۰ عربستان را تحت تأثیر قرار داده و هزینه سیاسی ادامه جنگ را افزایش دهد. بنابراین حمله اخیر انصارالله به اهدافی در عربستان، از جمله منطقه مالی ملک عبدالله، نشان می‌دهد که تقابل دو طرف وارد مرحله‌ای شده است که در آن مراکز اقتصادی و زیرساخت‌های حیاتی نیز در معرض تهدید قرار دارند.

برای انصارالله نیز این عملیات فرصتی است تا توان عملیاتی خود را به نمایش بگذارد و فشار بر ریاض را افزایش دهد. با این حال، نتیجه نهایی به واکنش عربستان بستگی دارد. اگر ریاض حملات را تشدید کند، احتمال گسترش تقابل به زیرساخت‌های حساس بیشتر خواهد شد. اگر دو طرف به سمت کاهش تنش حرکت کنند، حملات اخیر می‌تواند به عاملی برای بازگشت به مذاکرات تبدیل شود.

«ابتکار» از زلزله امنیتی در غول هوش مصنوعی گزارش می‌دهد

سایه جاسوسی بر امپراتوری تراشه‌ها

افشای رابطه شخصی جنسن هوانگ، مدیرعامل شرکت انویدیا، با زنی چینی که نهادهای اطلاعاتی آمریکا او را به همکاری با پکن مظنون می‌دانند، به بحرانی تازه برای یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های فناوری جهان تبدیل شده است. هیئت‌مدیره انویدیا تحقیقات مستقلی را درباره احتمال هدف قرار گرفتن مدیرعامل این شرکت در یک عملیات اطلاعاتی آغاز کرده است؛ موضوعی که فراتر از زندگی خصوصی یک مدیر تجاری، پرسش‌هایی درباره امنیت فناوری‌های پیشرفته و رقابت واشنگتن و پکن ایجاد می‌کند. اهمیت این پرونده زمانی آشکارتر می‌شود که انویدیا را یکی از بازیگران اصلی توسعه هوش مصنوعی و تأمین‌کنندگان زیرساخت‌های پردازشی جهان بدانیم.

رابطه‌ای که خبرساز شد

به گزارش یورونیوز، شرکت آمریکایی انویدیا روز یکشنبه اعلام کرد که پس از انتشار گزارش‌هایی درباره رابطه جنسن هوانگ با زنی چینی که به جاسوسی برای پکن مظنون است، تحقیقاتی مستقل را آغاز می‌کند. این تصمیم هم‌زمان با انتشار نامه‌ای از سوی هوانگ به کارکنان شرکت اتخاذ شد؛ نامه‌ای که او در آن به بی‌وفایی نسبت به همسرش اعتراف کرد و از خانواده و همکاران خود عذر خواست. پیش‌تر روزنامه نیویورک‌تایمز گزارش داده بود که آلیس هوانگ، از مدیران پیشین شرکت مگااسپید در سنگاپور، براساس ارزیابی نهادهای اطلاعاتی آمریکا با دستگاه‌های اطلاعاتی چین ارتباط داشته است. مگااسپید از مشتریان تراشه‌های هوش مصنوعی انویدیا محسوب می‌شود و فعالیت‌های آن نیز به دلیل احتمال کمک به انتقال فناوری‌های محدودشده به چین زیر بررسی قرار گرفته است. بااین‌حال، باید میان اتهام‌های اطلاعاتی و اثبات وقوع جاسوسی تمایز گذاشت. تاکنون شواهد عمومی مبنی بر انتقال اطلاعات محرمانه انویدیا از طریق این رابطه منتشر نشده و آغاز تحقیقات نیز به معنای اثبات تخلف مدیرعامل نیست.

جنگ تراشه‌ها در پس‌زمینه پرونده

اهمیت این ماجرا بیش از هر چیز به جایگاه انویدیا در اقتصاد دیجیتال بازمی‌گردد. تراشه‌های پیشرفته این شرکت در آموزش مدل‌های هوش مصنوعی، توسعه مراکز داده و گسترش زیرساخت‌های محاسباتی نقشی تعیین‌کننده دارند. از همین رو، دسترسی به محصولات انویدیا به یکی از محورهای رقابت فناوری میان آمریکا و چین تبدیل شده است. واشنگتن طی سال‌های گذشته محدودیت‌هایی برای صادرات تراشه‌های پیشرفته به چین اعمال کرده تا دسترسی این کشور به فناوری‌های حساس را کنترل کند. در مقابل، شرکت‌های فناوری آمریکایی با چالش حفظ بازارهای خارجی و رعایت مقررات امنیتی مواجه شده‌اند. در چنین فضایی، احتمال نفوذ اطلاعاتی به حلقه مدیریت یک شرکت راهبردی حساسیت بیشتری ایجاد می‌کند. مسئله صرفاً دسترسی احتمالی به اسرار تجاری نیست، بلکه شناخت برنامه‌های توسعه فناوری، روابط مشتریان و تصمیمات مدیریتی نیز می‌تواند از منظر رقابت اقتصادی اهمیت داشته باشد.

فشار سیاسی بر مدیرعامل

به گزارش رویترز، شماری از نمایندگان جمهوری‌خواه کنگره آمریکا خواستار ارائه توضیحات هوانگ درباره این پرونده شده‌اند. آنها نسبت به احتمال دسترسی چین به اطلاعات حساس فناوری آمریکا ابراز نگرانی کرده و خواستار بررسی سازوکارهای امنیتی انویدیا شده‌اند.

این حساسیت در شرایطی افزایش یافته که هوانگ روابط نزدیکی با دونالد ترامپ دارد و برای پیگیری منافع تجاری شرکت خود با دولت آمریکا در ارتباط است. بنابراین، پیامدهای پرونده می‌تواند از ساختار مدیریتی انویدیا فراتر برود و به مباحث سیاسی درباره نظارت بر شرکت‌های فناوری راهبردی گسترش یابد. بااین‌حال، ترامپ در واکنش به گزارش‌ها از هوانگ حمایت کرده و او را فردی شایسته توصیف کرده است. این موضع نشان می‌دهد که کاخ سفید، دست‌کم در شرایط فعلی، از داوری زودهنگام درباره اتهام‌های مطرح‌شده پرهیز دارد.

واکنش پکن و نگرانی بازار

در سوی دیگر، چین اتهام‌های مطرح‌شده درباره تلاش اطلاعاتی علیه مدیرعامل انویدیا را رد کرده است. به گزارش آسوشیتدپرس، پکن این ادعاها را بی‌اساس دانسته و آنها را بخشی از تلاش برای خدشه‌دار کردن اعتبار چین توصیف کرده است. هم‌زمان، بازارهای مالی نیز به انتشار خبر واکنش نشان داده‌اند. براساس گزارش یورونیوز، سهام انویدیا پیش از آغاز معاملات روز دوشنبه با کاهش ارزش مواجه شد؛ واکنشی که نشان‌دهنده حساسیت سرمایه‌گذاران نسبت به آینده مدیریتی این شرکت است. برای سهام‌داران، پرسش اصلی آن است که آیا تحقیقات می‌تواند بر جایگاه هوانگ و روند فعالیت انویدیا تأثیر بگذارد یا خیر. وابستگی قابل توجه موفقیت تجاری شرکت به نقش مدیریتی او سبب می‌شود هرگونه ابهام درباره آینده‌اش با دقت بیشتری دنبال شود.

آزمون اعتماد برای انویدیا

هیئت‌مدیره انویدیا اعلام کرده است که در حال حاضر دلیلی برای باور به افشای اسرار شرکت یا به خطر افتادن امنیت ملی آمریکا در اختیار ندارد. بااین‌وجود، بررسی مستقل برای روشن شدن ابعاد ماجرا ادامه خواهد یافت. جان ریزو، سخنگوی انویدیا، نیز تأکید کرده که این تحولات مانع ادامه فعالیت شرکت نخواهد شد و هوانگ همچنان مسئولیت مدیریت آن را بر عهده خواهد داشت. این پرونده در عین حال نشان می‌دهد که شرکت‌های بزرگ فناوری دیگر صرفاً بنگاه‌هایی اقتصادی نیستند. نقش آنها در توسعه هوش مصنوعی، زیرساخت‌های دیجیتال و فناوری‌های دارای کاربرد امنیتی، تصمیمات مدیریتی‌شان را به موضوعی فراتر از منافع سهام‌داران تبدیل کرده است.

فراتر از یک رسوایی شخصی

پرونده مدیرعامل انویدیا را می‌توان نشانه‌ای از پیوند روزافزون اقتصاد فناوری و ملاحظات امنیت ملی دانست. شرکت‌هایی که زمانی عمدتاً براساس عملکرد مالی و نوآوری ارزیابی می‌شدند، اکنون در مرکز رقابت ژئوپلیتیکی قدرت‌های بزرگ قرار گرفته‌اند. نتیجه تحقیقات مشخص خواهد کرد که آیا نگرانی‌های مطرح‌شده صرفاً به یک رابطه شخصی محدود می‌ماند یا پیامدهای امنیتی گسترده‌تری خواهد داشت. تا آن زمان، مهم‌ترین چالش انویدیا حفظ اعتماد بازار و پاسخ‌گویی شفاف به نهادهای نظارتی است؛ آزمونی که اهمیت آن از سرنوشت یک مدیر فراتر می‌رود و به امنیت زنجیره فناوری هوش مصنوعی پیوند می‌خورد.

خبر

آینده سیاسی نتانیاهو و سناریوهای محتمل



حسن هانی‌زاده، کارشناس مسائل منطقه با اشاره به واگذاری مأموریت تشکیل کابینه اسرائیل به رقیب نتانیاهو گفت‌وگو با ایلنا اظهار کرد: اخیراً اسحاق هرتزوگ، رئیس رژیم اسرائیل، طی حکمی گادی آیزنکوت را مأمور تشکیل کابینه کرده که با توجه به ائتلاف آیزنکوت با فهرست ۱۹ کرسی احزاب عربی، به نظر می‌رسد ائتلاف او در حال حاضر از مجموع ۶۷ کرسی در کنست برخوردار باشد. بر اساس قوانین داخلی رژیم صهیونیستی، آیزنکوت ۲۸ روز فرصت دارد تا کابینه خود را تشکیل دهد.

وی ادامه داد: در همین چارچوب، احزاب عربی که مجموعاً ۱۹ کرسی در کنست در اختیار دارند، در حال رایزنی برای مشارکت در دولت و تصدی برخی وزارتخانه‌های کلیدی هستند. بااین‌حال، آیزنکوت دو شرط اساسی را برای این احزاب مطرح کرده است. نخست اینکه این احزاب باید به صراحت بپذیرند که اسرائیل یک دولت یهودی است و دوم اینکه حماس و جهاد اسلامی را دو جنبش تروریستی بدانند. آیزنکوت تأکید کرده است که احزاب عربی برای ائتلاف با او و حزب «یش عتید» باید این دو شرط را بپذیرند.

این تحلیلگر مسائل سیاسی تصریح کرد: در غیر این صورت، آیزنکوت ممکن است در مهلت ۲۸ روزه تعیین‌شده نتواند به توافق نهایی برای تشکیل یک دولت ائتلافی دست پیدا کند. در چنین شرایطی، یکی از گزینه‌های پیش روی او، مذاکره با برخی احزاب کوچک دینی و ائتلاف با جریان‌هایی است که تعداد کرسی‌های کمتری در کنست دارند. سناریوی دیگر این است که اگر آیزنکوت طی ۲۸ روز آینده نتواند با احزاب عربی به توافق برسد یا در ائتلاف با احزاب دینی کوچک نیز ناکام بماند، احتمال برگزاری مجدد انتخابات پارلمانی مطرح خواهد شد.

وی افزود: در این میان، بنیامین نتانیاهو که ۵۳ کرسی از مجموع ۱۲۰ کرسی کنست را به دست آورده، تاکنون در تشکیل کابینه جدید ناکام مانده است. هدف نتانیاهو این است که مانع شکل‌گیری توافق میان آیزنکوت و احزاب عربی شود تا در صورت برگزاری انتخابات مجدد، بار دیگر بتواند در رقابت‌ها شرکت کند و شانس بیشتری برای دستیابی به اکثریت ۶۱ کرسی و بازگشت به قدرت داشته باشد. بنابراین، وضعیت سیاسی کنونی اسرائیل بسیار پیچیده است.

هانی‌زاده گفت: آیزنکوت در حال رایزنی با چهار حزب عربی است و تلاش می‌کند آن‌ها را به پذیرش شروط خود برای تشکیل دولت ائتلافی متقاعد کند. بااین‌حال، تاکنون بخشی از رهبران این احزاب از پذیرش دو شرط اصلی او، یعنی به رسمیت شناختن ماهیت یهودی دولت اسرائیل و تروریستی دانستن حماس و جهاد اسلامی، خودداری کرده‌اند. این دو مسئله یکی از مهم‌ترین موانع پیش روی آیزنکوت برای تشکیل کابینه به شمار می‌رود و ممکن است او را به سمت گزینه دوم، یعنی ائتلاف با احزاب کوچک دینی، سوق دهد.

وی اضافه کرد: از سوی دیگر، نتانیاهو در شرایط فعلی شانس چندانی برای تشکیل کابینه ندارد؛ زیرا طی روزهای گذشته نتوانسته است با سایر احزاب، ائتلافی قابل قبول و برخوردار از اکثریت پارلمانی تشکیل دهد. اگر آیزنکوت نیز در این مأموریت ناکام بماند، نتانیاهو برای تشکیل کابینه ناچار خواهد بود حمایت تعداد بیشتری از نمایندگان احزاب دیگر، به‌ویژه احزاب دینی و جریان‌های راست افراطی، را جلب کند. بااین‌حال، گزارش‌ها حاکی از آن است که کاخ سفید و شخص جی‌دی ونس، معاون رئیس‌جمهوری آمریکا، با ادامه حضور نتانیاهو در قدرت مخالف است. به همین دلیل، طی روزهای گذشته فشارهای کاخ سفید بر اسحاق هرتزوگ، برای انتخاب آیزنکوت به‌عنوان نخست‌وزیر افزایش یافته است.

هانی‌زاده در پایان خاطرنشان کرد: به نظر می‌رسد نتانیاهو در مقایسه با آیزنکوت از شانس کمتری برای بازگشت به قدرت برخوردار باشد. بااین‌حال، آیزنکوت نیز با معضل سیاسی بسیار پیچیده‌ای مواجه است؛ زیرا نمی‌تواند بدون پذیرش شروط تعیین‌شده، با احزاب عربی ائتلاف کند. این احزاب باید هم ماهیت یهودی دولت اسرائیل را به رسمیت بشناسند و هم حماس و جهاد اسلامی را سازمان‌ها و جنبش‌های تروریستی تلقی کنند؛ شروطی که پذیرش آن‌ها برای بخشی از جریان‌های سیاسی عربی با موانع جدی روبه‌رو است.

اختلافات اروپا بر سر جنگ اوکراین عمیق‌تر شد

افشای تماس رهبران فنلاند و نروژ با پوتین

گفت‌وگوی تلفنی مشترک رهبران فنلاند و نروژ با ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، به جای تقویت موضع اروپا در مذاکرات صلح اوکراین، اختلافات عمیق میان متحدان این قاره را آشکار کرده است. این تماس که با هدف انتقال پیام‌های کی‌یف و تأکید بر امنیت دریای بالتیک انجام شد، واکنش منفی شماری از دولت‌های اروپایی را به دنبال داشت. اکنون در شرایطی که واشنگتن ابتکار عمل مذاکرات را در اختیار دارد، کشورهای اروپایی درباره ضرورت گفت‌وگوی مستقیم با کرملین و چگونگی مشارکت در روند صلح با یکدیگر اختلاف‌نظر دارند.

تماس جنجالی با کرملین

به گزارش ایسنا به نقل از نشریه آمریکایی پالیتیکو، الکساندر استاب، رئیس‌جمهور فنلاند، و یوناس گار استور، نخست‌وزیر نروژ، روز ۲۷ اکتبر در هلسینکی طی تماسی هماهنگ‌شده با پوتین گفت‌وگو کردند. هدف این تماس انتقال پیام‌های ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین، و تأکید بر ضرورت حفظ امنیت دریای بالتیک و استمرار تجارت در این آبراه عنوان شد. این ابتکار در آستانه مذاکرات احتمالی نمایندگان روسیه و اوکراین با فرستادگان دونالد ترامپ در ابوظبی صورت گرفت؛ مذاکراتی که کرملین مشارکت کشورهای اروپایی در نشست سه‌جانبه آن را رد کرده است. پالیتیکو این تماس را نشانه بزرگ‌ترین شکاف میان متحدان شمال اروپا از آغاز جنگ اوکراین توصیف کرده است. اختلاف اصلی بر سر این پرسش شکل گرفته که آیا ارتباط مستقیم با پوتین می‌تواند به پیشبرد صلح کمک کند یا موجب تضعیف موضع مشترک اروپا خواهد شد.

اروپا میان مذاکره و فشار

استور در گفت‌وگو با پالیتیکو تأکید کرده است که نمی‌توان انتظار داشت جنگی که در اروپا جریان دارد، بدون گفت‌وگوی اروپایی‌ها با مسکو پایان یابد. به اعتقاد نخست‌وزیر نروژ، ادامه وضعیتی که تنها واشنگتن با کرملین ارتباط مستقیم داشته باشد، منافع اروپا را در معرض خطر قرار می‌دهد. بااین‌حال، این رویکرد با مخالفت شماری از همسایگان مواجه شده است. کریستن میهال، نخست‌وزیر استونی، تأکید کرده که اروپا نباید نقش میانجی را بر عهده بگیرد. مته فردریکسن، نخست‌وزیر دانمارک، نیز با ابراز بدبینی نسبت به ابتکار فنلاند و نروژ، خواستار حفظ وحدت اروپا شده است. اولف کریسترسون، نخست‌وزیر سوئد، نیز معتقد است دستیابی به صلح باید از مسیر قدرت صورت گیرد، نه مماشات. لیتوانی نیز از مخالفان این تماس بوده است. این واکنش‌ها نشان می‌دهد کشورهای اروپایی، باوجود حمایت مشترک از اوکراین، درباره ابزارهای پایان جنگ اتفاق‌نظر ندارند. برخی گفت‌وگوی مستقیم را ضرورتی دیپلماتیک می‌دانند و گروهی دیگر نگران‌اند چنین اقدامی به تقویت موقعیت مسکو منجر شود.

سایه ترامپ بر اختلافات اروپا

به نوشته پالیتیکو، بازگشت ترامپ به مذاکرات اوکراین و مواضع متفاوت او در قبال مسکو و کی‌یف، نگرانی متحدان اروپایی را افزایش داده است. انتقاد رئیس‌جمهور آمریکا از حملات اوکراین به زیرساخت‌های انرژی روسیه و اظهارات مثبت او درباره طرف روسی، بر این نگرانی‌ها افزوده است.

در همین شرایط، استور میزبان زلنسکی و استیو ویتکاف، فرستاده ترامپ، در اسلو شد. استاب نیز پس از نشست ۲۰ اکتبر اعلام کرد روند صلح دوباره در مسیر خود قرار گرفته است. بااین‌حال، دیدار بعدی ویتکاف با پوتین در سن‌پترزبورگ و اظهارات مثبت او درباره رئیس‌جمهور روسیه، بار دیگر حساسیت اروپایی‌ها را برانگیخت.

نگرانی اصلی آن است که واشنگتن بدون مشارکت مؤثر اروپا به توافقی دست یابد که پیامدهای امنیتی آن مستقیماً متوجه کشورهای این قاره باشد.

گفت‌وگویی بدون نتیجه مشترک

براساس گزارش پالیتیکو، تماس استاب و استور با پوتین حدود ۹۰ دقیقه ادامه داشت. نخست‌وزیر نروژ فضای گفت‌وگو را حرفه‌ای توصیف کرده و گفته است رئیس‌جمهور روسیه استدلال‌های خود را به‌روشنی مطرح کرد.

به گفته منابع آگاه، یکی از اهداف تماس، ارزیابی رویکرد پوتین به مذاکرات آینده بود. رئیس‌جمهور روسیه نیز از آمادگی برای بررسی امکان پیشرفت در گفت‌وگوهای ابوظبی سخن گفته است.

بااین‌حال، ابتکار دو رهبر شمال اروپا نتوانست حمایت دیگر متحدان را جلب کند و به اختلافات درباره نمایندگی اروپا در مذاکرات دامن زد.

اکنون چالش اصلی اروپا تنها چگونگی مواجهه با روسیه نیست، بلکه یافتن صدایی مشترک در برابر واشنگتن نیز اهمیت یافته است. درحالی‌که ترامپ همچنان مسیر مذاکرات را تعیین می‌کند، اختلافات داخلی اروپا می‌تواند توان این قاره را برای تأثیرگذاری بر توافق احتمالی کاهش دهد؛ توافقی که آینده امنیت اروپا و اوکراین به آن وابسته خواهد بود.

